

جنایت پهلوی در گوهرشاد به روایت وزیرمختار امریکا

۵ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۷

قیام مسجد گوهرشاد مشهد در روزهای ۱۹ تا ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ به وقوع پیوسته است. مقارن این زمان آمریکاییها در مشهد با ایجاد بیمارستان مسیحی مشغول مداوای بیماران بودند. سابقه حضور آنها در مشهد به سال ۱۲۹۵/ق/۱۸۷۸م. میرسد...

ویلیام اچ. هورنبروک (Hornibrook .H William) جانشین چارلز سیلهارت Hart .C Charles از سال ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش. تا ۱۹۴۰م/۱۳۱۹ش. به مدت هفت سال از سوی وزارت خارجه آمریکا به سمت وزیر مختار در ایران منصوب گردید و در تهران اقامت داشت (۱).

وی در ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ وارد تهران شد و در روز ۱۹ اسفند با وزیر خارجه ایران و روز ۲۸ اسفند با «رضاخان» دیدار کرد و استوارنامه خود را تحویل داد. در کتاب رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا (۲) که توسط دکتر محمدقلی مجد استاد دانشگاه پنسیلوانیا تألیف شده است. بخش چهارم این کتاب اختصاص به کشتار قیام مسجد گوهرشاد دارد. گزارشهای ثبت شده توسط هورنبروک سفیر آمریکا در تهران مهم و قابل تأمل هستند که مطالعه و تحلیل آنها فضای سیاسی و سانسور شدید در عصر رضا شاه را نمایان میسازد.

هر چند طی حضور هورنبروک در ایران، مشهد دارای کنسولگری آمریکا نبوده است ولی گزارشهای منتشر شده نشان میدهد اخبار کسب شده از طریق سفیر افغانستان، دکتر دونالدسن Donaldson از مبلغان آمریکایی در مشهد، و گزارشهای انگلیسیها در این زمینه بوده است.

قیام مسجد گوهرشاد مشهد در روزهای ۱۹ تا ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ به وقوع پیوسته است. مقارن این زمان آمریکاییها در مشهد با ایجاد بیمارستان مسیحی مشغول مداوای بیماران بودند. سابقه حضور آنها در مشهد به سال ۱۲۹۵/ق/۱۸۷۸م. میرسد. جیمز باست (۳) میسیونر توانای آمریکایی که تجربه‌ی تأسیس میسیون آمریکایی تهران را در کارنامه خود ثبت کرده بود به عنوان نخستین میسیونر آمریکایی در سال ۱۸۷۸م. هنگامی که از طرف لبنگاه کتب مقدس بریتانیا و کشورهای خارجی «موظف به ترجمه‌ی انجیل متی به لهجه تکه‌ها شده بود به مشهد مسافرت نمود و در ضمن انجام مأموریت اصلی خویش، زمینه‌ها و امکانات موجود در مشهد را برای آغاز فعالیت میسیونری را ارزیابی نمود. باست را در این سفر دو تن از توزیع‌کنندگان کتب مقدس همراهی می‌کردند. توفیق ایشان در فروش کتاب‌هایی که همراه داشتند به یهودیان ساکن مشهد، نظر ایشان را جلب نمود به گونه‌ای که در ارزیابی نهایی خود شرایط مشهد را حتی از تهران مناسب‌تر دانسته و از این روی در نخستین اقدام، یکی از موزعین میسیون به نام میرزا حسینعلی را برای اقامت دائم در مشهد به این شهر اعزام نمودند. اما پس از چندی یکی از یهودیان مشهد بنام داود عهدهدار این امر گردید. (۴)

دومین میسیونر آمریکایی که عازم مشهد گردید لوئیس اسلستین Esselstyn F Lewis نام داشت که در سال ۱۳۱۲/ق/۱۸۹۵م. وارد مشهد شد و پس از مدت کوتاهی ناچار به ترک این شهر گردید. علت این خروج ناگهانی وی چندان معلوم نیست ظاهراً در اثر تغییر شرایط و واکنش تند مردم شهر، ناچار به این امر شده است. اما اسلستین بار دیگر به سال ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م. به مشهد بازگشت و از آن پس تا پایان عمر خود در این شهر باقی ماند. ایجاد بیمارستان از اقدامات قابل توجه آمریکاییها در مشهد است. مریضخانه آمریکایی سال ۱۹۱۵م./۱۲۹۴ش. در کوچه ارگ تأسیس و در سال ۱۹۱۹م. به کوچه باغ عنبر منتقل و در سال ۱۹۲۴م. عمارت کنونی در محل چهارباغ بنا شد و مریضخانه بدان محل منتقل شده است. این مریضخانه دارای ۵۰ تخت خواب و دو نفر دکتر آمریکایی بوده است. (۵) واکنش در مقابل فعالیت پزشکی و دینی میسیون آمریکایی برخی از تحصیلکردگان فرنگرفته را به عکسالعمل واداشت به طوری که دکتر امیراعلم فرزند علیاکبرخان آشوری قزوینی مهم‌ترین راه مقابله با میسیونرهای آمریکایی را تأسیس دارالفنون رضوی دانست (۶). پس هم زمان با کشتار قیام مسجد گوهرشاد آمریکاییها در مشهد نفوذ داشتند و گزارشهای ثبت شده مهم تلقی می‌شود. بررسی سه روایت از تعداد کشته‌شدگان مسجد گوهرشاد در روایت‌های هورنیبروک قابل تأمل است. وی جزئیات حادثه هولناک مشهد از زبان سفیر افغانستان را چنین منعکس نموده است:

«در گفتگویی که درباره اخبار ارسالی از سرکنسول افغانستان در مشهد به سفیر افغانستان با او داشتم اطلاعات زیر به دست آمد: سفیر به من اطلاع داد که از طریق یک پیام رمزی از سوی سرکنسول افغانستان در مشهد شرح مفصلی از اوضاع به دستش رسیده است. این که در جریان شورش ۸ افغانی کشته شده، ۵۰۰ نفر از مردم جان باخته اند، ۸۰۰ نفر مجروح شده‌اند و تقریباً ۲۰۰۰ نفر یا به زندان افتاده و یا ناپدید شده اند.» (۷)

دومین روایتی که اشاره به تعداد کشتار دارد براساس گزارش دکتر دونالدسن است. در این گزارش ضمن بیان نحوه وقوع قیام به حضور نیروهای نظامی و نحوه کشتار پرداخته شده است:

«... به سرعت پانصد نظامی کادر را از شهر مجاور به مشهد آوردند و همین نیرو بود که بعداً به روی جمعیت حاضر در حرم آتش گشود و بالاخره آنها را متفرق ساخت. مجموعاً بیش از دو هزار نیروی نظامی در این درگیری شرکت داشتند. ابتدا با تفنگ و تیربار به سوی مسجد آتش گشودند که صدمه جدی ولی قابل جبرانی به مسجد وارد کرد. ابتدا به بالای سر جمعیت شلیک می‌شد ولی به تدریج لوله‌ها پایینتر آمد و تلفات هولناکی به جای گذاشت. طبق برآورد مبلغان مقیم محل بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر کشته یا مجروح شدند و دست کم بین پانصد تا ششصد نفر هم دستگیر شدند.» (۸)

سومین روایت هورنیبروک مربوط به تحلیل انگلیسی‌ها از این کشتار است. وی با نقد دیدگاه انگلیسی‌ها راجع به کشتار مسجد گوهرشاد نوشته است. انگلیسی‌ها در ابتدا سعی داشتند این تراژدی را کوچک جلوه دهند. درست همان گونه که مرگ سردار اسعد و دیگران را در زندان را به علل طبیعی نسبت داده بودند. حالا هم سعی داشتند تعداد تلفات را بسیار کم جلوه دهند. در ابتدا تعداد ۲۵ کشته و ۶۰ نفر مجروح بیان می‌کردند. سپس تجدید نظر کردند و تعداد کشته‌های قیام مسجد گوهرشاد بین چهارصد تا پانصد نفر تخمین زدند.

«مقامات نظامی ۱۲۸ کشته را در گودال‌هایی دفن کرده‌اند. شمار مجروحین هم از دویست یا سیصد نفر کمتر نیست. هم اینک ۵۰۴ نفر در سربازخانه محبوس هستند، که از این تعداد ۲۰۰ نفرشان مجروحند. در زندان‌های غیر نظامی نیز ۳۱۱ نفر محبوسند که از این تعداد ۲۸ نفرشان مجروح هستند. هر روز محبوسین سربازخانه‌ها را در گروه‌های سی نفره به فلک می‌بندند. دو افسر و هجده سرباز هم کشته و چهارده نفر دیگر مجروح شده‌اند. سیزده زائر افغان هم جان باخته‌اند. تعداد بازداشت‌شدگان از مرز

هشتصد نفر میگذرد...» (۹)

با بررسی این سه روایت تا حدودی به تعداد کشته‌شدگان قیام مسجد گوهرشاد پی می‌بریم. در واقع عدد چهارصد تا پانصد کشته موضوعی است که سفیر آمریکا به آن تأکید کرده است. در اسناد و مدارک منتشر شده تعداد کشتار مسجد گوهرشاد متفاوت ذکر شده‌اند ولی آنچه مسلم است. طبق نوشته‌های موجود مجروحان قیام به دو بیمارستان منتقل کرده‌اند مجروحان نظامی به بیمارستان ارتش و مجروحان عمومی را به بیمارستان امام رضا (ع) منتقل کرده‌اند که دکتر محمد معاضد، دکتر علیرضا ضیائی، دکتر سید ابوالقاسم قوام آنها را مداوا کرده‌اند. (۱۰)

تعداد دستگیرشدگان قیام را سرهنگ بیات ۹۰۰ نفر (۱۱) ذکر نموده است. یکی از نظامیان درباره این حادثه چنین نقل نموده: «به ما دستور دادند... وقتی هوا روشن شد نبایستی در مسجد و صحنین آثاری از مجروحین و مقتولین باقی بماند لذا پاسبانها و مأمورین مریضخانه شاهرضا بدون رسیدگی و توجه به این که آیا این مجروحین مرده و یا فقط غش نموده همه را به کامیون ریخته و به قبرستان بردند.» (۱۲)

طبق گزارشی تقی بردبار رئیس زندان مشهد لشکنجه‌های فراوانی به افرادی که در این زندان بودند اعمال کرده (۱۳)، همچنین سرهنگ نوائی، آیت‌الله آقازاده در زندان مورد شکنجه قرار داده است از جمله شب‌های زمستان او را بدون هیچ لباس گرم و روانداز و وسیله گرمی محبوس می‌کردند یا محبس را آب ریخته تا مرطوب شود و ایشان نتوانند استراحت کنند. (۱۴)

در باره تلفات گفته‌های ناظران و کسانی که دست‌اندر کار ماجرا بوده‌اند مختلف است و اعداد با یکدیگر یکسان نیستند. تعداد ۱۶۷۰ کشته هم در خاطرات شوشتری بازرس آستان قدس رضوی و خفیه‌نویس رضا آمده است، به دلیل این که این خاطرات بعد از ۱۲ سال بعد از واقعه منتشر شده خود شوشتری از زبان دیگران نقل می‌کند، چندان قابل اعتماد نیست. همچنین احمد بهار از روزنامه نگاران آن عصر ۱۷۵۰ نفر (۱۵) و علیرضا بایگان در خاطراتش این تعداد را ۱۶۷۰ نفر تأیید می‌کند. (۱۶)

به هر حال هم منابع داخلی و همچنین گزارش‌های کنسولگری‌های خارجی حکایت از فاجعه ای هولناک در مشهد ثبت کرده‌اند. حادثه ای که دور از دید نبوده است ولی سانسور شدید موجب شده تا ابهاماتی در ارتباط با موضوع به خصوص محل دفن کشته شدگان در اذهان پژوهشگران باقی بماند...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۸۱۱/جنایت-پهلوی-جنایت-۲۲۸۱۱>